



## مطالعه تطبیقی تاثیر متقابل ازدواج و تابعیت در حقوق ایران و بریتانیا

ناصر الله وکیل جزی<sup>۱</sup>

Allahvakil@gmail.com

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان -

### چکیده

تابعیت رابطه ای سیاسی بین فرد و دولت متبوع بوده و ازدواج دو فرد با دو تابعیت متفاوت با یکدیگر از عوامل موثر در تغییر تابعیت است. بررسی های انجام شده در سیستم های حقوقی کشورهای جهان نشان دهنده آن است که حقوق تابعیت کشورها به تدریج به سمت کاهش و حذف تاثیر متقابل ازدواج و تابعیت بر یکدیگر حرکت کرده اند. در حقوق ایران ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی نیازمند اجازه مخصوص از طرف دولت است. با توجه به حاکم بودن اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، هر زن خارجی به محض ازدواج با مرد ایرانی فارغ از هرگونه احراز شرایط دیگر به تابعیت ایران در می آید هرچند امکان دارد که وی دارای تابعیت مضاعف شود. همچنین هر زن ایرانی که به زوجیت یک مرد خارجی درآید اگر کشور متبوع زوج تابعیت خود را بر زن تحمیل نماید تابعیت ایرانی زن سلب می شود. قانون تابعیت بریتانیا از سال ۱۹۸۱ میلادی اصل وحدت تابعیت زوجین (تحمیل تابعیت بریتانیا به زن خارجی که با مرد بریتانیایی ازدواج می کند) منسوخ گردیده و در تحصیل تابعیت بریتانیا، ازدواج کمترین تاثیر را دارد. به گونه ای که شرط ۵ سال اقامت فرد برای تحصیل تابعیت بریتانیا در مورد فردی که با یک بریتانیایی ازدواج کرده است (اعم از زن یا مرد) به سه سال تقلیل یافته مشروط به اینکه زوجین در طول این سه سال با یکدیگر زندگی کرده باشند و سایر شرایط تحصیل تابعیت بریتانیا را هم داشته باشند. بررسی انجام شده در حقوق تابعیت دو کشور نشان دهنده آن است که هر چند اصل وحدت تابعیت زوجین مزایایی به دنبال دارد لیکن در مجموع تحمیل قهری تابعیت ایران به زن خارجی که به زوجیت مرد ایرانی در می آید بدون احراز هرگونه شرایط دیگر آثار و تبعات بعدی بدنبال دارد. ضمن آنکه با مفاد کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر و مجامع جهانی حامی حقوق زنان در تعارض است. نتیجه اینکه از تجربه کشورهای دیگر از جمله بریتانیا در کاهش و حذف تاثیر ازدواج در تابعیت می توان در اصلاح قوانین و مقررات مربوط به تابعیت ایران استفاده کرد و از ارتباط و وابستگی بیش از حد دو مقوله ی ازدواج و تابعیت در حقوق ایران کاست.

**واژگان کلیدی:** تابعیت ، ازدواج ، بریتانیا ، تابعیت مضاعف، زن ایرانی

### مقدمه :

حفظ وحدت خانواده و اهمیت پایداری آن باعث شده است که از دیرباز اکثر دولتها ازدواج را بر تابعیت موثر بدانند و در قوانین و مقررات خود این تاثیرات را لحاظ کنند. دولت هم حق دارد و هم تکلیف که در خصوص تابعیت اتباع خود اقدام کند. با عضویت یافتن فرد در جامعه سیاسی مسئله حق یا تکلیف بودن تابعیت برای فرد یا دولت بر اساس نقش اراده هریک از دولت و فرد شکل های مختلفی به خود می گیرد (دانش پژوه، ۵۷، ۱۳۸۱) توسعه حقوق بشر بین الملل این عقیده نسبی که قوانین تابعیت صرفا در حوزه صلاحیت دولتها می باشد را تغییر داده است . از نظر تاریخی

تنها دولتها و نه افراد موضوع حقوق بین الملل هستند. امروزه معاهدات حقوق بشری چند جانبه صلاحیت دولتها را در تضییق حقوق افراد محدود می کند و از این رو فرد را موضوع حقوق بین الملل قرار می دهد و در نتیجه دولتها در رابطه با تصویب قوانین تابعیت محدود شده اند . حقوق بشر بین الملل همچنین با به رسمیت شناختن قاعده عدم تبعیض جنسیتی صلاحیت دولتها را در رابطه با قوانین تابعیت بیشتر محدود می کند. مقدمه و بند ۱ و ۲ ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق مصونیت از تبعیض جنسیتی صحه گذاشته است. (جانسون، ۱۳۷۷، ۹۶-۸۹) از جمله